

مقدمه اي بر رسالات نبوتی

Introduction to the Prophets

تفسیر کتاب مقدس برای ایمانداران

نوشته

ویلیام مک دونالد

www.muhammadanism.org

July 1, 2011

Farsi

این کتاب تفسیری به منظور درک مفاهیم موجود در کتاب مقدس به رشته تحریر در آمده است. در شیوهی نگارش این کتاب سعی بر آن بوده است که از اصول صحیح فن تفسیر بهره جسته و ضمن وفادار بودن به اصول تفسیر همچنان متنی ساده و روان را ارائه نماید. بنابراین، کتاب حاضر انتخاب شایسته ای خواهد بود برای مطالعات انفرادی و گروهی کتاب مقدس.

Believer's Bible Commentary

by

William MacDonald

This is a Bible commentary that makes the riches of God's Word clear and easy for you to understand. It is written in a warm, reverent, and devout and scholarly style. It is a good choice for your personal devotions and Bible study.

© 1995 by William MacDonald., *Believer's Bible Commentary*,
Thomas Nelson Publishers, Nashville, TN, pp. 2383.

— All Rights Reserved —

مقدمه ای بر رسالات نبوتی

اکثراً آن بخش از عهد عتیق شامل رساله اشعیا تا رساله ملاکی نبی را «رسالات نبوتی» گفته‌اند. اشعیا، ارمیا، حزقیال و دانیال را صرفاً به دلیل اینکه رسالاتشان طولانی‌تر از سایر رسالات است، انبیاء اصلی می‌نامند و دوازده نبی دیگر که رسالات کوتاهی دارند انبیاء متوسط نامیده می‌شوند.

I- رسالت انبیا

در یک برداشت واقعی کتاب مقدس، انبیا کسانی هستند که از جانب خدا سخن می‌گویند. این انبیا در برهه‌هایی که انسان گناه کرده‌اند، ظاهر شده‌اند تا مردم را نسبت به گناهانشان هشدار بدهند و داوری خدا را در صورتی که از گناهانشان توبه نکنند، پیشگویی نمایند.

در عهد عتیق دوره نبوتی پس از برچیده شدن دوره کهنانی و از زمان سموئیل (در حدود 1110 ق.م) آغاز شد. انبیاء عهد عتیق رسالت خود را تا پایان عهد (حدود 400 ق.م) ادامه دادند که شامل بازگشت قوم از اسارت و بازسازی اورشلیم و معبد می‌باشد.

به هر حال نوشته‌های نبوتی عهد عتیق تا قبل از انشعاب حکومت اسرائیل (حدود 930 ق.م) وارد صحنه نشده بودند. بدین ترتیب این نوشته‌ها با وقایع ثبت شده در رسالات اول و دوم پادشاهان و همچنین اول و دوم تواریخ و تا رسالات عزرا و نحمیا، همخوانی دارند.

II- روش‌های انبیا

گفته می‌شود که پیام‌های انبیا آمیزه‌ای از پیش‌گویی و پیش‌بینی است. منظور ما از پیش‌گویی این است که این انبیا کلام خدا را اعلام کرده‌اند و خودشان به کاری که انجام می‌دادند، آگاه بودند. آنها از عباراتی نظیر «خداوند به من گفت» و یا «کلام خداوند که بر من آمد» استفاده می‌کردند (رک ارمیا 9:1 و حزقیال 7:2).

این انبیا به عنوان پیش‌بینی‌کنندگان چشم به آینده دوخته و به مردم اخطار می‌دادند چنانچه خدا را اطاعت کنند و یا اطاعت نکنند، چه شرایطی خواهند داشت. انبیا همیشه هم مفهوم پیامی را که بر زبان می‌آوردند نمی‌فهمیدند (رک دانیال 28:7؛ 27-15:8؛ 15-7:10؛ مکاشفه 7، 13، 14؛ 6:17).

آنها مخصوصاً در رابطه با نبوت‌هایی که در مورد مسیحایی موعود می‌نمودند، دچار مشکل می‌شدند. وقتی آنها رنج‌های مسیح و جلال متعاقب آن رنج‌ها را پیش‌بینی می‌کردند (اول پطرس 13-10:1)، واقعاً نمی‌فهمیدند که چگونه مسیحا به عنوان یک خادم رنج کشیده یهوه ظاهر می‌شود و در عین حال به عنوان پادشاه بر تمامی زمین سلطنت می‌کند. آنها نمی‌فهمیدند که آمدن مسیحا شامل دو مرحله است - آمدن او به بیت‌لحم (زمانی که متولد شد) و بازگشت او به کوه زیتون و نمی‌دانستند که در بین این دو «آمدن» وقفه‌ای خواهد بود.

III- مباحث نبوتی

1- تقدس خدا.

2- گناه و کوتاهی مردم برگزیده خدا.

3- دعوت به توبه.

4- داوری خدا بر آنان، در صورتی که توبه نکنند.

5- داوری خدا بر همسایگانیشان.

6- بازگشت بخشی از قوم از اسارت.

7- آمدن مسیحایی موعود و طرد او

8- آمدن مسیح در اقتدار و جلال عظیم.

9- احیاء مردم برگزیده خدا.

10- حکومت جهانی مسیح.

از این نظر باید یادآوری نمود که کلیسا موضوع نبوت عهد عتیق نیست. ما نباید انتظار داشته باشیم که در عهد عتیق سخنی از کلیسا رفته باشد، چونکه در عهد جدید به ما گفته شده که کلیسا از ابتدای عالم رازی نهفته در نزد خدا بوده است (ر.ک افسسیان 3:4-6).

اصل ارجاع دوجانبه کلید مفیدی در جهت مطالب عهد عتیق می باشد. ارجاع دوجانبه بدین معنی است که پاره‌ای از نبوت‌های عهد عتیق تحقق یافته‌اند و بخشی تحقق نیافته‌اند و در آینده تحقق می‌یابند. برای نمونه بخشی از نبوت مذکور در رساله یونیل 2:28-32 در روز پنطیکاست تحقق یافته است (اعمال 2:7-21)، ولی تحقق کامل آن موکول به بازگشت مسیح جهت استقرار حکومت خود بر روی زمین در پایان دوره عذاب بزرگ می‌باشد.

خوب است که به خاطر داشته باشیم، در حالی که پاره‌ای از نبوت‌ها از همان ابتدا کاملاً شفاف بوده‌اند، پاره‌ای دیگر مادام که محقق نشوند، آشکار نمی‌شوند.

ما باید از تفسیرات خیال‌پردازانه نبوت‌ها اجتناب کنیم. بیان اینکه پاره‌ای از نبوت‌ها تحقق یافته‌اند، چنانچه بعداً مشخص شود که، چنین نبوده است، کار خطرناکی است.

IV- واژه‌شناسی نبوت‌ها

کلیدهای دیگری هست که ما را در فهم مسئله «نبوت» کمک می‌کنند:

1- نام اسرائیل در اصل اشاره به حکومت شمالی و ده قبیله است. ولی بعضی اوقات در مورد

تمامی قوم - تمامی اعقاب ابراهیم - به کار می‌رود.

2- از سوی دیگر یهودا معمولاً اشاره به حکومت جنوبی یا دو قبیله یهودا و بنیامین است.

- 3- در رساله یوشع مخصوصاً از عیارت افرایم برای بیان ده قبیله یا حکومت شمالی، استفاده شده است. خاندان یوسف نیز اشاره به حکومت شمالی است.
- 4- سامره مرکز حکومت سامره بود و بارها از آن نام برده شده است.
- 5- از سوی دیگر اورشلیم مرکز حکومت جنوبی بود.
- 6- نینوا مرکز آشور بود.
- 7- شهر بابل مرکز اقوام بابلی بود.
- 8- دمشق شهر عمده آرام (سوریه امروز) بود.
- انبیا در اخطارهایشان بر علیه بتپرستی، غالباً از عبارات وابسته به بتپرستی نظیر «تمثال‌های چوبی»، «مکان‌های بلند»، «درختان غان» یا «بلوط» و «باغ‌ها» استفاده می‌کردند.
- «داوری» غالباً از نظر انبیا به معنی عدالت به کار برده می‌شود. آنها نسبت به منحرف نمودن «داوری» اخطار داده‌اند تا مبدا داوران قبایل انصاف را پایمال کنند.
- عبارت «باقی مانده قوم» اسرائیل یکی از عبارات برجسته‌ای است که توسط انبیا به کار رفته است. رسالات این انبیا بازگشت باقی مانده ایماندار قوم را همانطور که باقیمانده قوم بعد از اسارت در بابل باز گشتند، پیشگویی کرده‌اند.

۷- طبقه‌بندی انبیا

انبیا را می‌شود به چند طریق دسته‌بندی نمود. اخیراً مشاهده کردیم که انبیا به دو گروه اصلی و متوسط تقسیم شدند. این انبیاء را می‌توان براساس زمانی که در آن زیسته‌اند نیز، طبقه‌بندی نمود.

انبیاء قبل از تبعید	
اشعیا	یونس
ارمیا	میکا
هوشع	نحمیا
یونیل	حبقوق
عاموس	صفنیا
عوبدیا	
انبیا دوران تبعید	
حزقیال	حُجّی
دانیال	زکریا
	ملاکی

انبیاء قبل از تبعید کسانی بودند که قبل از اینکه قوم به اسارت بروند، نبوت می‌نمودند. انبیاء دوران تبعید سخنگویان خدا در دوران اسارت در بابل بودند. انبیاء پس از تبعید کسانی بودند که پس از اسارت با مردم باز گشتند و از مردم خواستند معبد را بسازند و نحوه زندگی معنوی خود را احیا کنند. همچنین انبیا را می‌توان بر اساس قومی که شنونده پیام آنان بوده‌اند، طبقه‌بندی نمود:

قوم اسرائیل	سایر قوم‌ها
هوشع	ناحوم
عاموس	عوبدیا
یونس	
یهودا	
اشعیا	حزقیال
ارمیا	دانیال
یوئیل	حُجّی
میکا	زکریا
حبقوق	ملاکی
صفنیا	

بعضی از این انبیا در خدمت بیش از يك قوم بوده‌اند. برای نمونه احتمالاً یونس نبی را می‌توان در زمره نبی سایر قوم‌ها نیز بر شمرد. میکا برای قوم اسرائیل و یهودا، نبوت می‌نمود. ناحوم با یهودا (5:1) همچون با مردم نینوا سخن گفت. حبقوق گفتنی‌های زیادی برای سایر قوم‌ها داشت. در بسیاری از موارد نام يك نبی در ماورای نبوتش پنهان است. برای نمونه نام اشعیا به معنی **یهوه نجات است** می‌باشد. در رساله اشعیا 2:12 می‌خوانیم: «اینک خدا نجات من است.»

معنی پاره‌ای از اسامی دیگر به قرار زیر است:

ارمیا - یهوه برافزنده سر یهوه - 31:52.

حزقیال - خدا تقویت می‌کند - 16:34.

یوئیل - یهوه خدا است - 13:2.

میکا - چه کسی چون یهوه است؟ - 7-18.

صفنیا - مستور در یهوه - 3:2.

ملاکی - رسول من - 1:3.

VI- تاریخچه انبیا

تاریخچه زیر خواننده را در فهم اشارات مختلف رسالات انبیا کمک می‌کند.

حکومت اسرائیل (قبایل شمالی)

آرام (سوریه) دشمن اصلی اسرائیل بعد از انشعاب حکومت آن بود. آشوریان به قدرت رسیدند و اسرائیل را تهدید کردند و بدین ترتیب اسرائیل را تسخیر کردند. مراحل تسخیر اسرائیل به شرح زیر است.

1- بیهو به شلمناسر پادشاه آشور خراج داد (842 ق.م).

2- مناحیم به تِغَلْتُ فَلَاسِر خراج داد. تِغَلْتُ فَلَاسِر کسی بود که شروع به تبعید یهودیان نمود.

3- در دوران حکومت فح، تِغَلْتُ فَلَاسِر شهرهای نفتالی را تسخیر و اهالی آنجا را به آشور تبعید کرد (دوم پادشاهان 29:15). همچنین به شرق اردن هجوم برد و دو و نیم قبیله ساکن آنجا را در سال 740 ق.م، به بین‌النهرین تبعید کرد (اول تواریخ 26:5). فح به درخواست او کشته شد و هوشع به جایش پادشاه شد.

4- هوشع به خدمت شلمناسر درآمد و خراجگزار او شد ولی با فرستادن هدایا از مصر و تقاضای رهایی از یوغ آشور و ماد، به او خیانت کرد (دوم پادشاهان 3:17 و 4).

5- شلمناسر، سامره را محاصره کرد. سامره در سال اول حکومت سارگون در سال 722 یا 721 ق.م، تسخیر شد. بسیاری از اهالی شهر به بین‌النهرین و ماد تبعید شدند (دوم پادشاهان 5:17، 6، 18) و بقیه اهالی خراجگزار او شدند.

حکومت یهودا (قبایل جنوبی)

پس از تسخیر حکومت شمالی، آشور شروع به تهدید یهودا نمود. خدا به یهودیان اعلام کرده بود که از طریق آشوریان بر ضد آنها برخواهد خاست و آنها در جنگ با آشوریان پیروز نخواهند شد، بلکه شکست خواهند خورد. این واقعه در زمان حکومت حزقیا با هجوم سنحاریب به اورشلیم، تحقق یافت.

سپس بابلیان به قدرت رسیدند و تبدیل به تهدید بزرگی برای یهودا شدند.

اقدامات سیاسی که منجر به تسخیر یهودا توسط بابل شد، به قرار زیر می‌باشند:

1- یهوایقیم دست نشانده پادشاه مصر شد.

2- بابل، مصر و آشور را تسخیر کرد و بدین ترتیب یهودا را تحت نفوذ قدرت خود قرار داد.

(605ق.م).

3- در سال 605ق.م (سال سوم یا چهارم سلطنت یهوایقیم)، نبوکد نصر به اورشلیم آمد و بعضی از وسائل معبد را همراه با تعدادی از افراد خاندان سلطنتی با خود به اسارت بابل برد. یهوایقیم پادشاه و دانیال نبی نیز در زمرة این اسیران بودند (دوم پادشاهان 1:24-6؛ 22؛ دوم تواریخ 36:5-8؛ ارمیا 1:45؛ دانیال 1:1 و 2).

4- در سال 597ق.م نبوکد نصر، یهوایکین و بسیاری افراد دیگر را اسیر کرد (دوم پادشاهان 10:24-16) در این هجوم حزقیال نیز از جمله اسیرانی بود که به بابل تبعید شد.

5- در سال 586ق.م ارتش نبوکد نصر معبد را آتش زده و اورشلیم را ویران کردند و قسمت عمده اهالی شهر را بجز تعدادی از فقیرترین اهالی به اسارت برد (دوم پادشاهان 2:25-21).

6 مردمی که در شهر باقی ماندند تحت حکومت جدلیا زندگی کردند، ارمیا نیز در زمرة این افراد بود که در اورشلیم باقی مانده بودند. سپس جدلیا کشته شد و بسیاری از اهالی شهر همراه با ارمیا به مصر گریختند (دوم پادشاهان 22:22-26).

هفتاد سال اسارت و دوران بعد از اسارت

امپراتوری جهانی بابل تا سال 539ق.م که کورش بابل را تسخیر کرد، ادامه یافت. کورش فرمانی صادر کرد که به موجب این فرمان یهودیان توانستند به سرزمین اسرائیل باز گردند. گروهی از یهودیان تحت رهبری زروبابل در سال 538ق.م و گروهی دیگر تحت رهبری عزرا در سال 458ق.م به اسرائیل باز گشتند.

داریوش مادی از سال 538 تا 536ق.م سلطنت نمود.

امپراتوری ماد - پارس تا سال 333ق.م ادامه یافت، و سپس یونانیان تحت رهبری اسکندر کبیر کنترل جهان را به دست گرفتند.

هفتاد سال اسارت از سقوط اورشلیم در 586ق.م تا بازسازی معبد در سال 516ق.م، ادامه یافت.